



● روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد ● مدیر مسئول: سید مهتم موسوی مهر ● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی ● نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱ ● دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵ ● نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱ ● روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۵ ● شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹

دما: ۳۱٪
 ۱۱° ↓
 ۲۵°
 صبح ۱۸
 ظهر ۲۳
 عصر ۲۲
 شب ۱۶

● اذان ظهر ۱۱:۳۳:۱۷ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۱:۰۸
 ● غروب آفتاب ۱۷:۲۴:۵۳ اذان صبح فردا ۰۳:۵۸:۱۴
 ● اذان مغرب ۱۷:۴۳:۰۵ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۲:۲۹



شرح شهادت



اثر استاد مرحوم حبیب... صادق با موضوع دفاع مقدس

سکانس مقابله

آن ۲۳ نفر

فیلم سینمایی «۲۳ نفر» به کارگردانی مهدی جعفری نخستین بار در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی را از آن خود کرد. این اثر سینمایی اقتباسی از خاطرات ۲۳ نفر از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای بعثی درآمدند و صدام سعی داشت از آن‌ها استفاده تبلیغاتی کند. این رزمندگان بین سیزده تا هفده سال داشتند.

دید بان

شترنج با ماشین قیامت

«شترنج با ماشین قیامت» نام کتابی به قلم حبیب احمدزاده است که انتشارات سوره مهر آن را منتشر کرده و تاکنون ۲۴ بار تجدید چاپ شده است. «شترنج با ماشین قیامت» نگاه متفاوتی به دفاع مقدس دارد و بیانگر این است که دفاع مقدس زمینه‌های رشد نسلی را به وجود آورده است. پال اسپراکمن، نایب رئیس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه راتجز آمریکا، این رمان را به انگلیسی ترجمه کرده است. هم‌اکنون این رمان در رشته زبان و ادبیات فارسی برخی دانشگاه‌های آمریکاندرسی می‌شود. این اثر به زبان‌های عربی و فرانسه نیز ترجمه شده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «باشه؟... باشه؟... فقط چهار روز! تالو شعله‌های غمناک پالاشگاه بر صورتش افتاده و خیرگی چشم مصنوعی اش را بیشتر می‌کرد. دومین بار بود که بد خواب می‌شدم. بار اول، صدای انفجار مخزن بزرگ بیدارم کرد. بالاخره مورد هدف قرار گرفت و میلیون‌ها لیتر بنزین هواپیما را همچون قارچ آتشینی به آسمان فرستاد. حرارتش را همان طور که بر سایبان سیمانی پشت بام دراز کشیده بودم، بر پوست صورتم حس می‌کردم و نور شدیدش پرده هر دو پلکم را بی اثر می‌کرد...»

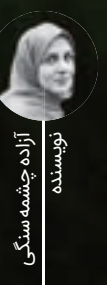
اول شخص

ریزعلی پیراهن از تن کند و تو تن را ز تن*

یادی از علی لندی، نوجوان فدakar ایده‌ای که این ایام سالروز درگذشت ققنوس وار اوست



علی لندی اگر ۱۸ شهریور ۱۴۰۰ به خانه خاله‌اش ترفته بود، اگر از توی کوچه حین بازی صدای کمک خواستن پیرزن همسایه را نمی‌شنید، اصلاً اگر این همه شجاع و بی‌باک و جسور نبود، ماه مهر امسال باید می‌رفت می‌نشست سرکلاس پایه یازدهم دبیرستان شهیداستکی شهرکرد و رفته رفته در مسیر کتک‌ور و ورود به دانشگاه می‌افتاد. اما در ساختمان نوساز همسایه خانه خاله‌اش، همانی که هنوز گاز کشی نشده بود، دوزخ میان سال و مسن زندگی می‌کردند که مجبور بودند با پیک نیک پخت و پز کنند. قرار نبود یک غذای ساده، به قیمت جان نوجوان پانزده ساله ایده‌ای تمام شود، اما هیچ چیز عادی پیش نرفت. پیک نیک آتش گرفته بود. صورت زنی در شعله‌ها می‌سوخت و فریادهای دختر میان سالتش از شدت ترس و حرارت به آسمان می‌رفت. علی پاره‌هنه به سوی خانه همسایه می‌دوید. حتی زور دختر خاله‌اش به دست‌های پرتوان او نرسید که سدراهش شود. از راه ترسیده پیرزن را با پتو خاموش کرد و بی آنکه دمای بالای پیک نیک او را متوقف کند، آن را با نیت پرتاب به بیرون بلند کرد، اما مایع گاز بر صورت و بدنش سرازیر شد. آتش، بار دیگر طعمه تازه‌ای



آزاده چشمه سنگی نویسنده

* مصرعی از یک غزل، اثر علیرضا قزوه در رثای علی لندی

نام گذاری اماکن

اماکن مختلفی از جمله یک سالن ورزشی در ایده، یک میدان در شهر پردیس تهران، یک مدرسه در خوزستان، یکی از بولوارهای اصلی ایده، یکی از ایستگاه‌های آتش نشانی کرج، خیابان یا ایستگاه آتش نشانی در شهرکرد و ایستگاه آتش نشانی ۱۳۳ هواپا به نام علی لندی نام گذاری شدند.

اعطای چند مدال

۲۴ مهر ۱۴۰۰ رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، اعلام کرد که، مدال عالی پدافند غیرعامل، از سوی این سازمان به خانواده علی لندی اهدا شد. ۱۴۰۰ مهر ۱۴۰۰، برابر تصویب شورای عالی نشان‌ها در ارتش جمهوری اسلامی ایران، نشان فدakar ارتش، به علی لندی تعلق گرفت و ۵ مهر ۱۴۰۰ نیز، مدال بین‌المللی، ایثار و شجاعت، از طرف سرپرست وزارت آموزش و پرورش، به علی لندی اهدا شد.

خاکریز خاطره

مشعل همواره فروزان امامت



روزنامه نگار غلامرضا تپین آسیدی

به امامت، مقدمه شهادت و معنابخش زیست مومنانه است. در زیستی چنین است که می‌توانیم به تعریف دقیق نسبت خود با جریان امامت برسیم. بفرمایید که پایان حیات نورانی هر امام، با آغاز پربرکت دوران امامت امامی دیگر پیوند می‌خورد. به حقیقت خط نورانی امامت، همچنان امتداد می‌یابد. مشعل داران جای خود را به هم می‌دهند اما مشعل همچنان فروزان، تاریکی را از کوچه باور اهل یقین می‌تاراند. این امر اما در آخرین ایستگاه، ویژه‌تر به نظر می‌رسد چون به امر الهی ما در موقفی قرار می‌گیریم که افقی بلند را پیش رو داریم. پیش‌تر امام، حاضر بود و حضورش را مستقیم مردمان درک می‌کردند اما این بار، حضور

حضرت دائم الحضور را باید با ضمیر غایب تجربه کنیم. حتی نام مبارکش را به رمز بزبان آوریم. ما در عصری قرار می‌گیریم که برای رسیدن به صبح ظهور باید دورانی طولانی را از سر بگذرانیم. سر بلند هم بمانیم که سرهای افکنده را توان سربازی در رکاب صاحب‌الامر نیست. برای این هم باید با التزام به سبک زیستی و تربیتی ائمه^(ع) خود را غنی‌سازی کنیم. انسان تراز دولت ظهور باید به قواعد زندگی امام عسکری التزام عملی داشته باشد. اولین آن امانت داری است چنان که در حدیث نورانی از آن حضرت می‌خوانیم «شما را سفارش می‌کنم به کوشش و راستگویی و

شانه‌های خسته‌ات روی دامن که بود؟

عبدالجبار کابلی

در زدی پدر ولی، پشت در کسی نبود..... کاش دست نرم باد در به روت می‌گشود
 کاش روزهای توشاد می‌شد و سپید..... کاش چشم‌های من کور می‌شد و کبود
 نامه‌های آخرت چون کبوتری سپید..... روی آسمان شهرت بال زد، ولی چه سود
 هیچ کس نشان نداشت از دل شکست‌ات..... گرچه بند بند نشان، تار و پودی از تو بود
 تو درست مثل ما، مادر دست مثل تو..... سوختیم و ساختیم، چاره غیر از این نبود
 راستی پدر بگو: لحظه‌های آخرین..... شانه‌های خسته‌ات روی دامن که بود؟
 چشمی که برای تو، قطره قطره می‌گریست..... دست کی غبار درد از تن تو می‌زدود؟

چکامه رزم

قاب ایستادگی

گروه توپ‌خانه ۶۱ محرم



یگان‌های رزمی خراسان



روزنامه نگار مصعب بیابان

نیروهای سپاه در جبهه‌های غرب کشور با قبضه‌های ۱۰۵ میلی‌متری امانتی توپ‌خانه ارتش کارشان را در یادگان ابودر شروع می‌کنند. بعد از آن قبضه‌های غنیمتی از عراق که در عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس به دست می‌آید دست یگان‌ها را باز می‌گذارد تا هر یگان واحد توپ‌خانه‌ای را تشکیل دهد. پس از شروع به کار توپ‌خانه‌ها به شکل مدکور رزمندگانی که با توپ‌خانه آشنا شده‌اند به فکر سامان‌دهی یگانی به استعداد گروه یا تیپ توپ‌خانه صحرایی می‌افتند؛ از نیمه دوم سال ۱۳۶۱ بحث جدی می‌شود و نهایتاً در آبان که با ماه محرم هم‌زمان است، اولین گروه توپ‌خانه سپاه با جمع آوری قبضه‌های پراکنده و ادغام گردان‌های موسی بن جعفر (ع) و گردان روح... تأسیس می‌شود و به فرمان‌دهی سردار شهید حسن غازی شروع به کار می‌کند. سنت نام‌گذاری یگان‌های نظامی (یک شماره و اسم) به هم‌زمانی با ماه محرم سبب می‌شود نام «۶۱ محرم» برای اولین گروه توپ‌خانه سپاه انتخاب شود. هدف اصلی تأسیس این گروه پشتیبانی آتش پر حجم از یگان‌های رزمی خراسان و سایر یگان‌های سپاه و در بعضی مواقع ارتش است. هدفی که با حضور رزمندگان آموزش‌دیده دلاور خراسانی و اجراء، هدایت و تطبیق

دقیق آتش از سوی این گروه در میدان نبرد، به خوبی محقق و گروه توپ‌خانه ۶۱ محرم به یکی از یگان‌های تأثیرگذار نیروی زمینی در دفاع مقدس تبدیل می‌شود. در عملیات «خبیر» مأموریت عمل کلی توپ‌خانه قرارگاه قدس به گروه ۶۱ محرم واگذار می‌شود. همچنین اجرای آتش در عملیات «والفجر ۸» و «کربلای ۵» که پیروزی رزمندگان اسلام را به همراه دارد، نتیجه تلاش‌های رزمندگان این یگان است. این گروه توپ‌خانه‌ای